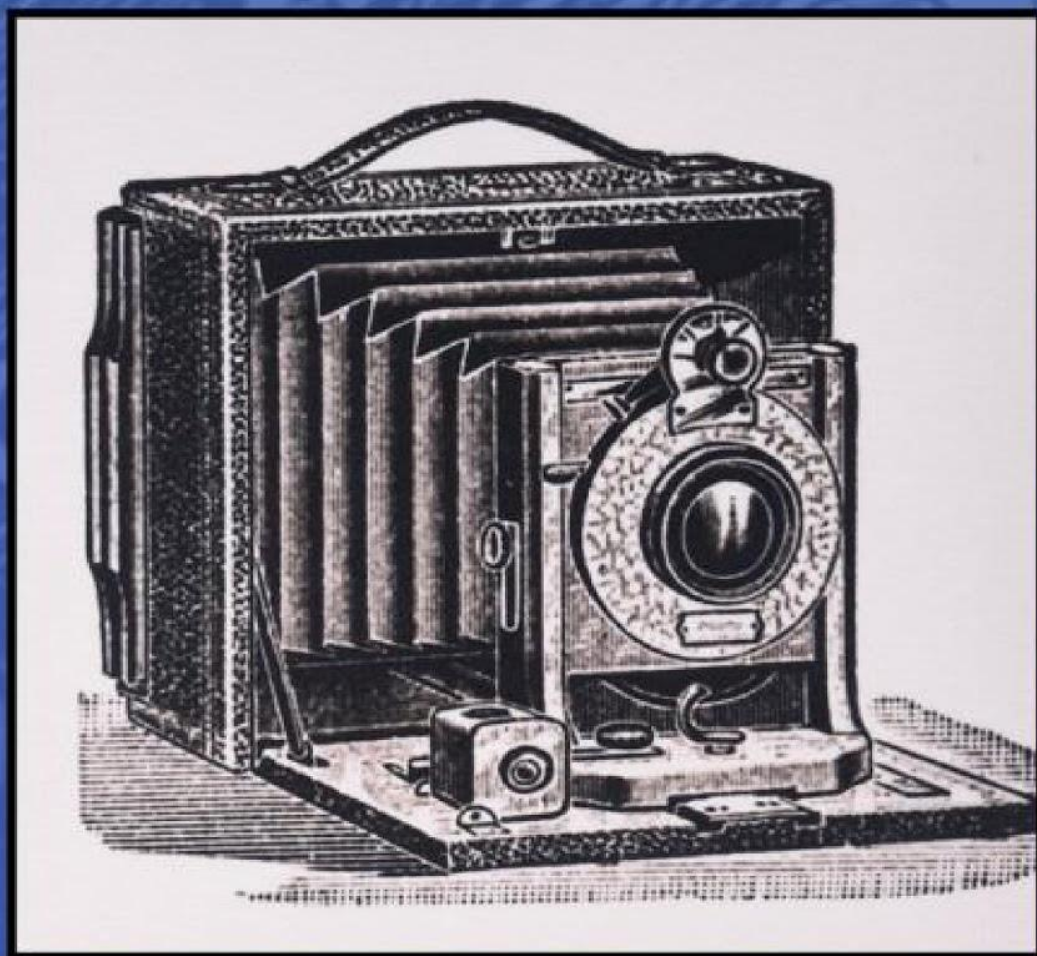


عکس دو نفره



امید اسماعیلی

Esmaili, Omid اسماعیلی، امید

عکس دو نفره

I S B N: 978-1-59584-560-3

موضوع: داستانی (مجموعه داستان)



Ketab Corp.

1419 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024 U.S.A.
Tel: (310) 477-7477
Fax: (310) 444-7176

www.Ketab.com
Ketab1@Ketab.com

عکس دو نفره (مجموعه داستان) امید اسماعیلی

ناشر: شرکت کتاب

شابک ۳-۵۶۰-۵۹۵۸۴-۱-۹۷۸

© ketab corp. 2016

All rights reserved. No part of this book may be reproduced or retransmitted in any manner whatsoever except in the form of review, without permission of the author or the publisher.

Manufactured in the United States of America

عکس دو نفره

چند روزیه بدجور دارم دنبال خونه میگردم، قیمت ها سرسام آورده، با این پولی که من دارم شاید بتونم یه آلونک پایین شهر کرایه کنم که حداقل یک سقفی بالای سرم باشه. امروز قراره یکی از بنگاه های مسکن یه خونه را بهم نشون بده، گفته بدک نیست میتونی توش زندگی کنی. یک خونه قدیمی که صاحبش تازه فوت شده و ورثه ای هم نداره، خونش را داده دست این بنگاهی که کرایه بده و پول کرایش را خرج خیریه و افراد نیازمند کنه.

تو این چند روز که دنبال خونم اصلا فکرم هنگ کرده نمیتونم دیگه داستان بنویسم هیچ سوژه ای ندارم که هیچ، حوصله ای هم واسم نمونده کاش امروز این خونه جور بشه و یکم آرامش پیدا کنم. امسال پائیز خیلی سرد شده آدم قندیل می بنده ولی از برف و بارون خبری نیست. واقعا آدم یک سقف بالای سرش باشه چه نعمتیه، بعضی وقت ها دلم به خاطر آدمایی که کارتن خوابند خیلی می سوزه دوست دارم همشون را جمع کنم و بیارم داخل خونه خودم که حداقل شب ها توی سرما نخوابند ولی بعدش به خودم فکر می کنم که اگه خونه ای پیدا نشه و صاحبخونه اسباب من را بندازه بیرون باید برم پیش همین کارتن خواب ها و ازشون بخوام که کنار آتیششون به منم جا بدند تا از سرما سیاه نشم. بالاخره رسیدم دم مغازه مشاور املاک، خداراشکر خود آقای پناهی هم هست.

- سلام

- سلام علیکم، به به آقای داستان نویس قرارمون نیم ساعت پیش بود برادر من

- خودتون که اهل همین شهرید آقای پناهی از ترافیکشم که باخبرید، ولی بازم شرمنده معطلتون کردم

- دشمنتون، خب وسیله دارید که بریم خونه را ببینیم؟

- وسیله نه!

- آخه این داستان نویسی هم شد شغل برادر من که از کنارش بتونی زندگی را بچرخونی، حالا تو این سرما منو میخوایی پیاده ببری؟

- خب حالا یه کاریش کن آقای پناهی، به خدا خیلی به این خونه دلم را خوش کردم نشه بدبختم باید شب را گوشه خیابون بخوابم.

Thank You for previewing this eBook

You can read the full version of this eBook in different formats:

- HTML (Free /Available to everyone)
- PDF / TXT (Available to V.I.P. members. Free Standard members can access up to 5 PDF/TXT eBooks per month each month)
- Epub & Mobipocket (Exclusive to V.I.P. members)

To download this full book, simply select the format you desire below

